



تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابداری

رسول برادران حسن‌زاده^۱

یونس بادآور نهندي^۲

سمیه اسماعیلی گنجینه کتاب^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۴

چکیده

در تحقیق حاضر تأثیر متغیرهای ساختار مالکیت که عبارت‌اند از: تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی، بر کیفیت حسابداری ۹۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بررسی شده است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از بعد روش انجام کار از نوع تحقیقات علی پس رویدادی است. برای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری در این پژوهش از سه معیار اندازه، دوره تصدی و تخصص در صنعت موسسه حسابداری استفاده شده است. در این تحقیق از مدل رگرسیون لجستیک با استفاده از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که میزان تمرکز مالکیت و درصد سهام مالکان نهادی بر اندازه موسسه حسابداری تأثیر معنی‌دار و منفی و بر تخصص در صنعت موسسه حسابداری تأثیر معنی‌دار و مثبت دارد، در حالی که تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی تأثیری معنی‌دار بر دوره تصدی موسسه حسابداری ندارند.

واژه‌های کلیدی: ساختار مالکیت، کیفیت حسابداری، اندازه موسسه حسابداری، دوره تصدی موسسه حسابداری، تخصص در صنعت موسسه حسابداری.

۱- استادیار، گروه آموزشی حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، مسئول مکاتبات baradaran313@iaut.ac.ir

۲- استادیار، گروه آموزشی حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه آموزشی حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۱- مقدمه

نقش شرکت‌های بزرگ امروزی در ساختار اقتصادی کشورها بر کسی پوشیده نیست. گسترش روزافزون واحدهای اقتصادی، توسعه فناوری ارتباطات و وجود تضاد منافع، نیازهای نظارتی را به وجود می‌آورد. در این بین، حسابرسی مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی، تضمین قابلیت اتکا و تأیید کیفیت اطلاعات مالی، موجب حمایت از حقوق تمامی ذینفعان شرکت می‌شود. افزون بر این، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان برای ارزیابی عملکرد مالی واحدهای تجاری مختلف و تصمیم‌گیری در مورد موقعیت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری، به نتایج حسابرسی انجام‌شده به‌وسیله مؤسسات حسابرسی مستقل اتکا می‌کنند. از این رو، هر چه کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، ارزش، اعتبار و قابلیت پذیرش آن به‌وسیله استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی افزایش می‌یابد (اشبا و همکاران^۱، ۲۰۰۳: ۳). از آنجاکه کیفیت حسابرسی دارای ابعاد متفاوتی است و به‌طور ذاتی مشاهده‌ناپذیر است، مشخصه حسابرسی خاصی وجود ندارد که به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری آن در نظر گرفته شود (لین^۲، ۲۰۰۹: ۴۸). از این رو معیارهایی نظیر اندازه، دوره تصدی و تخصص در صنعت موسسه حسابرسی، قدمت و نام تجاری مؤسسات به‌عنوان جانشینی برای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می‌شود (فرانسیس^۳ (۱۹۸۸)، بالسام^۴ (۲۰۰۳)، زوریگات^۵ (۲۰۱۱)).

نتایج پژوهش‌های تجربی انجام‌شده بیانگر این است که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، کیفیت بالاتری در کار حسابرسی پدید می‌آورند. در همین راستا، دی آنجلو^۶ (۱۹۸۱) نیز ابراز می‌دارد که کیفیت مؤسسات حسابرسی با اندازه مؤسسه حسابرسی و سهم این مؤسسات از بازار حسابرسی رابطه مستقیم دارد. با این وجود، برخی از شواهد بیانگر این است که مؤسسات حسابرسی بزرگ همواره کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک ارائه نمی‌کنند (حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹: ۹۶). افزون بر این، حسابرسی مستقل به‌عنوان یک سازوکار مناسب در کنترل روابط قراردادی بین مدیران و سهامداران محسوب می‌شود و در اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه رابطه متقابل تئوری نمایندگی و حسابرسی نیز تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد ساختار مالکیت چندین انگیزه برای نظارت بر گزارشگری مالی و نفوذ بر حسابرسی مستقل دارد. از جمله این انگیزه‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که صورت‌های مالی حسابرسی شده منبع مهمی از اطلاعات در مورد شرکت می‌باشند و نیز این‌که سرمایه‌گذاران در تجزیه و تحلیل اطلاعات حسابداری و تصمیم‌گیری‌های مالی برای کیفیت حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. بنابراین انتظار می‌رود مالکیت شرکت‌ها بر کیفیت حسابرسی تأثیر بالقوه‌ای داشته باشد. از این رو، با توجه به تفاوت در ساختار راهبری شرکت‌های ایرانی در دوره‌های زمانی مختلف، این سؤال مطرح می‌شود که وجود گروه‌های مختلف مالکان در ترکیب سهامداران شرکت‌ها، تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی و تفاوت در سایر سازوکارهای نظارتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بهابازار اوراق بهادار تهران چه تأثیری بر کیفیت حسابرسی دارد؟

۲- مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس ادبیات تئوری نمایندگی، با افزایش تعارضات نمایندگی، تمایل واحدهای اقتصادی به انتخاب مؤسسات حسابرسی مستقل افزایش می‌یابد. افشای نامناسب و ناکافی در گزارش‌های مالی و عدم شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌ها موجب می‌شود که مشکلات ناشی از تفکیک مالکیت از مدیریت افزایش یابد. عدم ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل‌اعتماد، زیان‌های اقتصادی جبران‌ناپذیری را برای سهامداران و سایر ذینفعان برون‌سازمانی به دنبال دارد. رابطه نمایندگی قراردادی است که بر اساس آن یک یا چند نفر مالک، شخص دیگری را به‌عنوان نماینده یا عامل از جانب خود منصوب و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کنند. مطابق با نظریات والاس^۱ (۱۹۸۰)، مفاهیم ضمنی مستتر در رابطه نمایندگی بیانگر این است که منافع و علایق شخصی نمایندگان الزاماً با منافع شخصی مالکان همسویی ندارد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که فعالیت‌ها و اقدامات مدیران لزوماً موجب به حداکثر رساندن ثروت و رفاه مالکان نمی‌شود. بر اساس مفاهیم موجود در نظریه‌های اقتصادی، نظیر مفهوم انتظارات منطقی و عقلایی، مالکان می‌توانند آثار ناشی از نبود همسویی میان منافع نمایندگان، با منافع و علایق خویش را برآورد کنند و بر اساس چنین برآوردی، حقوق و مزایای نمایندگان را تعدیل کنند. از سوی دیگر، مدیران حاضرند برای حفظ منافع خویش، مبالغی را از محل منابع خود صرف کنند تا نوعی تضمین و اطمینان برای حفظ منافع مالکان یا جبران خسارت‌های وارده به آن‌ها به وجود آورند. به‌عنوان نمونه، مدیران همواره می‌کوشند با صرف هزینه و استفاده از خدمات حسابرسی مستقل، اعتبار صورت‌های مالی و سایر گزارش‌هایی را که به‌صورت ضمنی بیانگر آثار مالی ناشی از عملکرد آن‌ها در جهت تخصیص منابع هستند را افزایش دهند. در نتیجه، توانمندی مالکان در تعدیل بهای خدمات نمایندگان موجب می‌شود تا انگیزه لازم جهت تقاضا برای خدمات حسابرسی و سایر سازوکارهای نظارتی به‌عنوان عامل بازدارنده کاهش در حقوق و مزایا در نزد نمایندگان شکل گیرد. نتایج اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تئوری نمایندگی نیز حاکی از آن است که با افزایش تعارضات نمایندگی، میزان تقاضا برای کیفیت خدمات حسابرسی و اعتباردهی به اطلاعات افشاشده توسط مدیریت افزایش می‌یابد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

مالکیت نهادی: مطابق با ادبیات موجود، سرمایه‌گذاران نهادی شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر مؤسسه‌هایی هستند که به خرید و فروش حجم بالایی از اوراق بهادار می‌پردازند (نوروش و همکاران، ۱۳۸۸: ۶) و با استفاده از میزان بالای حق رأی در مجامع شرکت‌ها به‌صورت مستقیم بر تصمیمات مدیریتی شرکت‌های سرمایه‌پذیر مؤثر هستند. از این‌رو، فرض بر این است که با افزایش درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، میزان تقاضا برای خدمات حسابرسی باکیفیت بالا افزایش می‌یابد. به اعتقاد اشبا و همکاران^۲ (۲۰۰۳) مالکیت بانک‌ها باعث افزایش احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ می‌شود. کان و همکاران^۳ (۲۰۰۴) نیز معتقدند که شرکت‌های با سطح مالکیت نهادی بالاتر با احتمال بیشتری توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر که خدمات حسابرسی را باکیفیت بالایی

ارائه می‌دهند، حسابرسی می‌شوند. همچنین، چان و همکاران^۹ (۲۰۰۷) نیز بر این عقیده هستند که افزایش در مالکیت نهادی باعث افزایش تقاضا برای خدمات حسابرسی باکیفیت بالا می‌شود.

تمرکز مالکیت: مطابق با ادبیات تئوری نمایندگی، تمرکز مالکیت باعث بهبود نظارت بر عملکرد مدیریت و کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از ریسک عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان می‌شود. در نتیجه در شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، با توجه به اصل منفعت- هزینه، احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ کاهش می‌یابد. اما، فرانسیس و همکاران (۱۹۸۸) و پیوت^{۱۰} (۲۰۰۱) نشان دادند که بین ساختار مالکیت متمرکز و احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ رابطه معنی‌دار ضعیفی وجود دارد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

فارگر و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۱) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۷۹۶ مشاهده از ۲۰ کشور مختلف طی سال ۱۹۹۴، به بررسی تقاضا برای شهرت مؤسسات حسابرسی در بازارهای بین‌المللی پرداختند. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، ویژگی‌های افشا، تولید ناخالص داخلی و لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی با انتخاب ۶ حسابرس بزرگ بیانگر این بود که ویژگی‌های افشا، تنها عوامل انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ هستند.

گراملینگ و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۱) از ضرایب واکنش سود و توانایی سود برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی به‌عنوان معیارهایی برای کیفیت سود استفاده نمودند و نشان دادند که سود صاحب‌کاران حسابرسان متخصص صنعت جریان‌های نقدی آتی را دقیق‌تر از سایر صاحب‌کاران پیش‌بینی می‌کنند.

کان و همکاران (۲۰۰۴) نقش مالکیت نهادی در بازار خدمات حسابرسی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از بررسی ۷۵۸۲ مشاهده طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ نشان داد که میزان مالکیت نهادی به‌صورت مثبت و معنی‌داری با اندازه حسابرس در ارتباط است.

کارسلو و ناگی^{۱۳} (۲۰۰۴) به مطالعه رابطه بین کیفیت حسابرسی و چرخش مؤسسات از نقطه‌نظر گزارشگری مالی پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که یک رابطه مستقیم بین دوره ارتباط کوتاه‌مدت حسابرسی و تعداد گزارش حاوی تخریفات بااهمیت وجود دارد. به‌طور کلی تخریفات بااهمیت در سال‌های اولیه حسابرسی رخ می‌دهد، بنابراین در این شرایط چرخش مؤسسات حسابرسی تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی می‌گذارد.

وانگ و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۸) با بررسی ۵۷۵۹ صاحب‌کار چینی طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دولتی در مقایسه با شرکت‌های غیردولتی تمایل بیشتری به استفاده از حسابرسان کوچک محلی دارند.

نیسکانن و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۹) با استفاده از اطلاعات نمونه‌ای شامل ۴۷۸ شرکت فنلاندی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و تقاضا برای کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که افزایش مالکیت دولتی باعث کاهش احتمال انتخاب حسابرس بزرگ می‌شود.

لین و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی نمونه‌ای شامل ۱۸۴ شرکت طی دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ بیانگر این بود که اعمال کنترل توسط سهامداران عمده و یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره باعث کاهش احتمال انتخاب ۱۰ حسابرس بزرگ چینی می‌شود.

گیوده‌های و همکاران^{۱۶} (۲۰۰۹) با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۷۶ شرکت خصوصی از ۲۱ کشور در حال توسعه و ۱۱ کشور توسعه‌یافته طی دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲، به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر انتخاب مؤسسات حسابرسی پرداختند. آن‌ها، به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌های مورد مطالعه، مالکیت دولتی و مالکیت خارجی رابطه معنادار منفی با انتخاب ۴ موسسه حسابرسی بزرگ دارند.

حسین و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۰) با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۲۸۲ شرکت پذیرفته‌شده در ۱۶ بازار نوظهور به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت راهبری شرکتی و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و این ارتباط به‌وسیله میزان حمایت قانونی از سهامداران اقلیت در سطح کشور تقویت می‌شود.

زوریگات (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و کیفیت حسابرسی پرداخته است. ایشان برای ساختار مالکیت سه شاخص: مالکیت نهادی، مالکیت خارجی و تمرکز مالکیت را در نظر گرفت و کیفیت حسابرسی را نیز با اندازه مؤسسه حسابرسی مورد اندازه‌گیری قرارداد. وی با بررسی ۱۹۸ شرکت پذیرفته‌شده در بازار اوراق بهادار اردن دریافت، شرکت‌هایی که دارای سهامدار خارجی و سهامدار نهادی می‌باشند رابطه معنادار مثبت با کیفیت حسابرسی دارند. در حالی که تمرکز مالکیت رابطه منفی با کیفیت حسابرسی دارد.

کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸)، به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها با بررسی ۵۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۸۱، به این نتیجه رسیدند که یک رابطه معنادار و مستقیم بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری وجود دارد. بنابراین ممکن است چرخش اجباری حسابرس اثر معکوسی روی محافظه‌کاری سود داشته باشد.

حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹)، در یک پژوهش به بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. منظور از چرخش مؤسسات حسابرسی تعویض حسابرسان در دوره‌های زمانی حداکثر ۴ ساله و کیفیت حسابرسی نیز حاصل جمع شایستگی (توانایی کشف اشتباهات) و استقلال حسابرسان (انگیزه گزارش موارد کشف‌شده) می‌باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده و آزمون فرضیات تحقیق نشان می‌دهد که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.

مهدوی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر اندازه مؤسسه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ پرداختند،

نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که بین درصد مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت با اندازه حسابرسی، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد، درحالی که ترکیب هیئت‌مدیره و نقش نظارت اعتباردهندگان تأثیر معناداری بر اندازه حسابرسی منتخب ندارد.

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین تخصص حسابرسی در صنعت و مدیریت واقعی سود و تأثیر آن بر عملکرد عملیاتی آتی شرکت‌های دارای حسابرسی متخصص صنعت و درگیر در مدیریت واقعی سود پرداختند. آن‌ها با بررسی تعداد ۱۱۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶، به این نتیجه رسیدند، شرکت‌هایی که حسابرسی آن‌ها، متخصص صنعت است دارای سطح بالاتر مدیریت واقعی سود نسبت به سایر شرکت‌ها هستند ولی عملکرد عملیاتی آتی آن‌ها کاهش نمی‌یابد.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه حسابرسی در ایران پرداختند. تحلیل‌های آماری صورت گرفته در این پژوهش مبین رابطه معنادار و معکوس کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی بود.

احمدزاده (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود (با تأکید بر صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای) پرداخته است. او با بررسی و مطالعه ۷۳ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹، به این نتیجه رسید که اندازه مؤسسه حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معناداری ندارد، اما دوره تصدی و تخصص در صنعت حسابرسی، امکان مدیریت سود را دچار محدودیت می‌کند.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی به بررسی نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنان با بررسی ۶۱ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای سطوح بالاتر از مالکیت نهادی، از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردارند، درحالی که تمرکز مالکیت نهادی موجب کاهش در کیفیت حسابرسی می‌گردد.

تاکنون به عوامل بسیاری که بر کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است، پرداخته شده است و تحقیقات بسیاری برای مشخص کردن رابطه متغیرهای مختلف مالی و حسابداری شرکت‌ها و تأثیر آن‌ها بر کیفیت حسابرسی صورت گرفته، اما به ساختار مالکیت به‌عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت حسابرسی به‌ویژه در ایران کمتر توجه شده است. در این تحقیق سعی بر این است که تأثیر ساختار مالکیت به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های داخلی راهبری شرکتی بر کیفیت حسابرسی بررسی شود، تا معیارهایی را برای تشریح کیفیت حسابرسی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد که آنان بتوانند با آگاهی از این ویژگی‌ها، به کیفیت حسابرسی پی برده و با اطمینان بیشتری نسبت به گزارش‌های مالی حسابرسی شده موردنظرشان تصمیم‌گیری نمایند.

۳- فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۶ فرضیه به شرح زیر تدوین و مورد آزمون قرار گرفت:

فرضیه اول: تمرکز مالکیت بر اندازه موسسه حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه دوم: مالکیت نهادی بر اندازه موسسه حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه سوم: تمرکز مالکیت بر دوره تصدی موسسه حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: مالکیت نهادی بر دوره تصدی موسسه حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: تمرکز مالکیت بر تخصص در صنعت موسسه حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه ششم: مالکیت نهادی بر تخصص در صنعت موسسه حسابرسی تأثیر دارد.

۴- داده‌ها و روش پژوهش

۴-۱- نحوه جمع‌آوری داده‌ها

این پژوهش از نظر ماهیت، همبستگی و از نظر هدف کاربردی است و از بعد روش انجام کار از نوع علی پس رویدادی می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات نظری پژوهش از نشریات، کتب و همچنین پایگاه‌های اطلاعاتی در دسترس استفاده شده است. همچنین داده‌های موردنیاز برای تجزیه و تحلیل، از اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده و گزارش‌های هیئت‌مدیره به مجمع عمومی عادی شرکت‌ها استخراج شده است.

۴-۲- جامعه آماری و نمونه پژوهش

دوره زمانی این پژوهش ۵ سال، از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹، و جامعه آماری آن متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. شرکت‌های موردبررسی نیز به روش حذفی انتخاب شده‌اند. بر این اساس، سال مالی شرکت‌های موردبررسی باید منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد و طی دوره موردبررسی، فعالیت مستمر و بی‌وقفه داشته باشند. به دلیل ماهیت خاص فعالیت، جزء بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و مؤسسات مالی نباشند و کلیه اطلاعات مالی و غیرمالی موردنیاز، در دسترس باشد و حداقل ۳ سال از پذیرش آن‌ها در بورس گذشته باشد. در نهایت، با توجه به معیارهای ذکرشده، تعداد ۹۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ برای انجام این پژوهش انتخاب شده است.

۴-۳- متغیرهای پژوهش

۴-۳-۱- متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش کیفیت حسابرسی است که برای اندازه‌گیری آن از سه شاخص بهره گرفته شده که به شرح زیر می‌باشند:

اندازه موسسه حسابرسی: که مطابق تحقیق حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹)، اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، مورد حسابرسی قرار گیرد، از متغیر مصنوعی (۰) صفر، و در غیر این صورت (اگر توسط سایر مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی، حسابرسی شود) از متغیر مصنوعی (۱) یک، استفاده خواهد شد.

تخصص در صنعت موسسه حسابرسی: در این تحقیق از سهم بازار موسسه حسابرسی به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص صنعت حسابرسی بهره گرفته می‌شود، زیرا بسیاری از معیارهای مورد استفاده در اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، از طریق ابزارهایی همچون پرسشنامه و یا مصاحبه جمع‌آوری می‌شوند، که خود بر اعتبار نتایج تحقیق تأثیر می‌گذارد. تخصص حسابرسی در صنعت معیاری از کیفیت حسابرسی است که با استفاده از دو رویکرد سهم بازار و سهم پرتفوی موسسه حسابرسی معرفی شده است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). در این پژوهش بر رویکرد سهم بازار تأکید می‌شود، چراکه جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه تخصص در صنعت موسسه حسابرسی با استفاده از رویکرد سهم پرتفوی در ایران با مشکلات فراوانی روبه‌روست. سهم بازار موسسه حسابرسی نیز مطابق مدل پالم رز^{۱۸} (۱۹۸۶) به صورت فرمول (۱) زیر محاسبه می‌شود:

$$(1/(FN)) * (1/2) < (SR/(SRT)) \quad (1)$$

که در آن مجموعه دارایی‌های تمام صاحب‌کاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص (SR)، تقسیم‌بر مجموع دارایی‌های کل صاحب‌کاران در این صنعت (SRT) می‌شود. با پیروی از پالم رز (۱۹۸۶) موسساتی به عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازار آن‌ها (یعنی معادله سمت راست) بیش از معادله یک‌بر روی تعداد شرکت‌های موجود در یک صنعت (FN)، ضرب‌در یک‌دوم (یعنی معادله سمت چپ) باشد. چنانچه موسسه حسابرسی متخصص در صنعت باشد، از متغیر مصنوعی (۱) یک و در غیر این صورت (متخصص در صنعت نباشد)، از عدد (۰) صفر استفاده خواهد شد.

دوره تصدی موسسه حسابرسی: جهت محاسبه دوره تصدی موسسه حسابرسی، در مدل رگرسیونی اگر دوره تصدی حسابرسی سه سال یا بیشتر باشد، از متغیر مصنوعی (۱) یک و در غیر این صورت از عدد (۰) صفر استفاده می‌شود.

۲-۳-۴- متغیر مستقل

در این پژوهش ساختار مالکیت به عنوان متغیر مستقل است که از دو شاخص زیر برای محاسبه آن استفاده شده است:

مالکیت (سهامداران) نهادی:

سهامداران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگی نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری هستند. در تحقیق حاضر طبق تعریف پورحیدری و همی (۱۳۸۳) مجموع سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری،

بنیادها، نهادها و سازمان‌های دولتی به دلیل این که از افق دید بلندمدت برخوردارند، به عنوان سرمایه‌گذاران نهادی در نظر گرفته می‌شود.

تمرکز مالکیت:

کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت را تمرکز مالکیت گویند. در این پژوهش طبق تعریف لاپورت و دیگران (۱۹۹۸) مجموع سهام سه سهامدار بزرگ به عنوان میزان تمرکز مالکیت در نظر گرفته می‌شود.

۳-۳-۴- متغیرهای کنترلی

در این تحقیق بر اساس مطالعات زوریگات (۲۰۱۱) برخی از ویژگی‌های خاص شرکت به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده‌اند که به شرح زیر هستند:

اندازه شرکت: از طریق لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

اهرم مالی: این متغیر به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری بدهی مربوط به تأمین مالی شرکت است و میزان استفاده از بدهی را در ساختار سرمایه شرکت نشان می‌دهد.

۵- یافته‌های پژوهش

۱-۵- آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، در جدول ۱، کلیه مشاهدات مربوط به انتخاب مؤسسات حسابرسی و در جدول ۲، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد بررسی که شامل تعداد مشاهدات، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر متغیرهاست، ارائه شده است.

جدول ۱- مشاهدات مربوط به متغیرهای در نظر گرفته شده برای کیفیت حسابرسی

۱۲۷	سازمان حسابرسی	تعداد مشاهدات	مشاهدات مربوط به انتخاب مؤسسات حسابرسی	۴۵۰	مجموع مشاهدات (طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹)
۳۲۳	سایر مؤسسات	مشاهدات			
٪۲۸.۲	سازمان حسابرسی	درصد مشاهدات			
٪۷۱.۸	سایر مؤسسات				
۲۴۷	تصدی کمتر از ۳ سال	تعداد مشاهدات	مشاهدات مربوط به دوره تصدی مؤسسات حسابرسی	۴۵۰	
۲۰۳	تصدی ۳ سال و بیشتر از آن	مشاهدات			
٪۵۴.۹	تصدی کمتر از ۳ سال	درصد مشاهدات			
٪۴۵.۱	تصدی ۳ سال و بیشتر از آن				
۲۰۴	متخصص در صنعت	تعداد مشاهدات	مشاهدات مربوط به تخصص در صنعت مؤسسات حسابرسی	۴۵۰	
۲۴۶	غیرمتخصص در صنعت	مشاهدات			
٪۴۵.۳	متخصص در صنعت	درصد مشاهدات			
٪۵۴.۷	غیرمتخصص در صنعت				

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای به کاررفته در پژوهش

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد مشاهدات	
۰/۱۶۹۲۹	۰/۷۰۵۴	۰/۹۸	۰/۱۳	۴۵۰	مالکیت نهادی
۰/۱۳۷۹۹	۰/۵۴۸۶	۰/۹۸	۰/۱۰	۴۵۰	تمرکز مالکیت
۰/۴۵۰۵۸	۰/۲۸۲۲	۱/۰۰	۰/۰۰	۴۵۰	اندازه موسسه حسابرسی
۰/۴۹۸۱۶	۰/۴۵۱۱	۱/۰۰	۰/۰۰	۴۵۰	تصدی موسسه حسابرسی
۰/۴۹۸۳۷	۰/۴۵۳۳	۱/۰۰	۰/۰۰	۴۵۰	تخصص در صنعت موسسه حسابرسی
۱/۳۰۷۲۹	۰/۹۴۱۷	۱۷/۶۴	۹/۲۳	۴۵۰	اندازه شرکت
۰/۲۱۱۳۴	۰/۶۳۶۷	۲/۰۸	۰/۸۰	۴۵۰	اهرم مالی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۵- آمار استنباطی

۱-۲-۵- بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. همان طور که در جدول ۳، ملاحظه می‌شود، نتایج به دست آمده، حاکی از این است که کلیه متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش دارای توزیع نرمال هستند (سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵، حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرهاست).

جدول ۳: آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای سنجش نرمال بودن داده‌ها

اهرم مالی LEV	اندازه شرکت SIZE	تمرکز مالکیت OC	مالکیت نهادی OI	
۱/۳۹۳	۱/۴۲۷	۲/۰۵۳	۲/۱۴۲	Z کولموگوروف-اسمیرنوف
۰/۰۴۱	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۲-۵- نتایج آماری حاصل از آزمون فرضیه‌ها

۱-۲-۲-۵- نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم

در جدول‌های ۴ و ۵، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های اول و دوم ارائه شده است. سطح معنی داری آماره کای دو، در مورد هر دو فرضیه، بیانگر معنی دار بودن کل مدل رگرسیونی است. سطح معنی داری آماره والد مربوط به متغیرهای مستقل نیز، نشان دهنده این است که تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر اندازه موسسه حسابرسی تأثیری معنی دار و منفی (چون به سازمان حسابرسی عدد صفر و به سایر مؤسسات حسابرسی عدد یک اختصاص داده شده است، تأثیر منفی تفسیر می‌شود) دارد. به عبارتی هر چه میزان

تمرکز مالکیت و درصد مالکیت نهادی افزایش یابد، احتمال انتخاب سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه‌های اول و دوم مبنی بر تأثیر تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر اندازه موسسه حسابرسی با سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شوند.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه اول

AFS it = $\alpha + \beta_1 (OC it) + \beta_2 (SI it) + \beta_3 (LE it) + \epsilon it$					
نسبت بخت Exp(B)	سطح معنی داری Sig	آماره والد (Wald)	ضریب (β)	β	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۳۲/۳۳۰	-۷/۸۸۵	α	مقدار ثابت
۱۶۶/۷۵۳	۰/۰۰۰	۲۸/۹۹۱	۵/۱۱۷	β_1	تمرکز مالکیت
۱/۳۶۲	۰/۰۰۰	۱۳/۲۶۸	۰/۳۰۹	β_2	اندازه شرکت
۱/۰۳۵	۰/۹۴۸	۰/۰۰۴	۰/۰۳۴	β_3	اهرم
ضریب تعیین مدل R2		آماره لگاریتم درست نمایی (Log-Likelihood)	P- Value	χ^2 آماره	کل مدل رگرسیون لجستیک
Cox & Snell R ² = ۰/۰۹۴ Nagelkerke R ² = ۰/۱۳۵		۴۹۱/۲۲۱	۰/۰۰۰	۴۴/۳۱۵	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه دوم

AFS it = $\alpha + \beta_1 (OC it) + \beta_2 (SI it) + \beta_3 (LE it) + \epsilon it$					
نسبت بخت Exp(B)	سطح معنی داری Sig	آماره والد (Wald)	ضریب (β)	β	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۳۲/۳۳۰	-۷/۸۸۵	α	مقدار ثابت
۱۶۶/۷۵۳	۰/۰۰۰	۲۸/۹۹۱	۵/۱۱۷	β_1	تمرکز مالکیت
۱/۳۶۲	۰/۰۰۰	۱۳/۲۶۸	۰/۳۰۹	β_2	اندازه شرکت
۱/۰۳۵	۰/۹۴۸	۰/۰۰۴	۰/۰۳۴	β_3	اهرم
ضریب تعیین مدل R2		آماره لگاریتم درست نمایی (Log-Likelihood)	P- Value	χ^2 آماره	کل مدل رگرسیون لجستیک
Cox & Snell R ² = ۰/۰۹۴ Nagelkerke R ² = ۰/۱۳۵		۴۹۱/۲۲۱	۰/۰۰۰	۴۴/۳۱۵	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۲-۲- نتایج آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم

با بررسی نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم که به ترتیب در جداول ۶ و ۷، ارائه شده است، مشاهده می‌شود که سطح معنی داری آماره کای دو و آماره والد متغیرهای مستقل، بیشتر از سطح خطای موردپذیرش (۰.۰۵) است، که این امر به ترتیب بیانگر معنی‌دار نبودن کل مدل و عدم تأثیر

متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌باشد. به این معنی که فرضیه‌های سوم و چهارم مبنی بر تأثیر تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر دوره تصدی حسابرسی، رد می‌شوند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقادیر ضرایب تعیین مدل طبق شاخص‌های R^2 کاکس-اسنیل و R^2 نگلکرک نیز نشان‌دهنده توانایی تبیین پایین مدل است.

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم

TPAF it = α + β_1 (OC it) + β_2 (SI it) + β_3 (LE it) + ϵ it					
نسبت بخت Exp(B)	سطح معنی داری Sig	آماره والد (Wald)	ضریب (β)	β	
۰/۳۳۴	۰/۳۱۸	۰/۹۹۶	-۱/۰۹۶	α	مقدار ثابت
۱/۴۱۳	۰/۶۱۸	۰/۲۴۹	۰/۳۴۶	β_1	تمرکز مالکیت
۱/۰۶۵	۰/۳۹۸	۰/۷۱۴	۰/۰۶۳	β_2	اندازه شرکت
۰/۸۶۱	۰/۳۱۸	۰/۹۹۹	-۰/۱۵۰	β_3	اهرم
ضریب تعیین مدل R2		آماره لگاریتم درست نمایی (Log-Likelihood)	P- Value	χ^2 آماره	کل مدل رگرسیون لجستیک
Cox & Snell R ² = ۰/۰۰۶ Nagelkerke R ² = ۰/۰۰۷		۶۱۶/۹۹۴	۰/۴۷۰	۲/۵۳۰	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۷- نتایج آزمون فرضیه‌ی چهارم

TPAF it = α + β_1 (OI it) + β_2 (SI it) + β_3 (LE it) + ϵ it					
نسبت بخت Exp(B)	سطح معنی داری Sig	آماره والد (Wald)	ضریب (β)	β	
۰/۳۴۷	۰/۳۳۸	۰/۹۱۸	-۱/۰۵۸	α	مقدار ثابت
۱/۲۵۷	۰/۶۸۵	۰/۱۶۴	۰/۲۲۹	β_1	مالکیت نهادی
۱/۰۶۴	۰/۴۰۳	۰/۶۹۹	۰/۰۶۲	β_2	اندازه شرکت
۰/۳۴۷	۰/۳۱۶	۱/۰۰۵	-۰/۱۵۰	β_3	اهرم
ضریب تعیین مدل R2		آماره لگاریتم درست نمایی (Log-Likelihood)	P- Value	χ^2 آماره	کل مدل رگرسیون لجستیک
Cox & Snell R ² = ۰/۰۰۵ Nagelkerke R ² = ۰/۰۰۷		۶۱۷/۰۷۹	۰/۴۸۵	۲/۴۴۵	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۲-۳- نتایج آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم، نشان‌دهنده این است که تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر تخصص در صنعت موسسه حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبت دارد. به عبارتی با افزایش میزان تمرکز مالکیت و سهام در دست مالکان نهادی، احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی متخصص در صنعت افزایش می‌یابد، که احتمال بالای تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی نیز مؤید این مطلب می‌باشد.

جدول ۸- نتایج آزمون فرضیه‌ی پنجم

ISAF it = $\alpha + \beta_1$ (OC it) + β_2 (SI it) + β_3 (LE it) + ϵ_{it}					
نسبت بخت Exp(B)	سطح معنی داری Sig	آماره والد (Wald)	ضریب (β)	β	
۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۱۹/۵۳۶	-۵/۲۷۱	α	مقدار ثابت
۳۴/۸۷۴	۰/۰۰۰	۲۱/۱۳۵	۳/۵۵۲	β_1	تمرکز مالکیت
۱/۲۵۸	۰/۰۰۳	۹/۰۰۲	۰/۲۲۹	β_2	اندازه شرکت
۱/۲۶۴	۰/۶۱۲	۰/۲۵۸	۰/۲۳۴	β_3	اهرم
ضریب تعیین مدل R2		آماره لگاریتم درست نمایی (Log-Likelihood)	P- Value	χ^2 آماره	کل مدل رگرسیون
Cox & Snell R ² = ۰/۰۶۵ Nagelkerke R ² = ۰/۰۸۷		۵۸۹/۸۱۲	۰/۰۰۰	۳۰/۰۹۴	لجستیک

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۹- نتایج آزمون فرضیه‌ی ششم

ISAF it = $\alpha + \beta_1$ (OI it) + β_2 (SI it) + β_3 (LE it) + ϵ_{it}					
نسبت بخت Exp(B)	سطح معنی داری Sig	آماره والد (Wald)	ضریب (β)	β	
۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۱۷/۱۵۴	-۴/۹۱۱	α	مقدار ثابت
۱۱/۲۲۱	۰/۰۰۰	۱۵/۵۸۲	۲/۴۱۸	β_1	مالکیت نهادی
۱/۲۴۸	۰/۰۰۴	۸/۵۱۳	۰/۲۳۲	β_2	اندازه شرکت
۱/۲۳۷	۰/۶۴۳	۰/۲۱۵	۰/۲۱۳	β_3	اهرم
ضریب تعیین مدل R2		آماره لگاریتم درست نمایی (Log-Likelihood)	P- Value	χ^2 آماره	کل مدل رگرسیون
Cox & Snell R ² = ۰/۰۵۱ Nagelkerke R ² = ۰/۰۶۳		۵۹۶/۴۵۳	۰/۰۰۰	۲۳/۴۵۳	لجستیک

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶- بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب حسابرسی یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در فرآیند اداره شرکت‌هاست. به همین منظور این پژوهش، به بررسی تجربی تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های اول و دوم بیانگر این است که میزان تمرکز مالکیت و درصد مالکیت نهادی بر اندازه مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار منفی دارد، یعنی با افزایش درصد تمرکز مالکیت و سهام در دست مالکان نهادی، احتمال انتخاب سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی توسط شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران افزایش می‌یابد.

این نتیجه که با نتایج پژوهش‌های وانگ و همکاران (۲۰۰۸)، نیکسان و همکاران (۲۰۰۹)، لین و همکاران (۲۰۰۹) و گیوده‌های و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد، احتمالاً ناشی از تمرکز مالکیت نهادی دولتی یا شبه‌دولتی در شرکت‌های موردبررسی است. با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹) مبنی بر رابطه معکوس بین اندازه حسابرسی و کیفیت حسابرسی نیز می‌توان بیان داشت که در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، افزایش مالکیت دولتی و شبه‌دولتی باعث افزایش تمایل به انتخاب حسابرسی با کیفیت پایین می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های دوم و چهارم نیز حاکی از این است که تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر دوره تصدی موسسه حسابرسی بی‌تأثیر است. فرایند چرخش مؤسسات حسابرسی از لحاظ تئوری آثار مثبت و منفی خاص خود را دارد. از آثار مثبت آن می‌توان به این مطلب اشاره کرد که قطع ارتباط بلندمدت میان صاحب‌کار و حسابرسی، موجب حفظ استقلال حسابرسان می‌شود، اما همین فرایند موجب می‌شود که کیفیت خدمات حسابرسی در سال‌های ابتدایی پس از چرخش، به دلیل عدم آشنایی کافی با فعالیت و صنعت صاحب‌کار کاهش یابد، که بیانگر آثار منفی چرخش مؤسسات حسابرسی است. از طرفی تئوری نمایندگی در ارتباط با تمرکز مالکیت نیز دووجهی است: ۱- نظارت فعال، ۲- منافع شخصی. شاید تلفیق جنبه‌های مثبت و منفی تمرکز مالکیت و تمرکز مالکیت نهادی و تناقض‌هایی که در مورد دوره تصدی مؤسسات حسابرسی وجود دارد، دلیلی بر نتیجه به‌دست‌آمده در این پژوهش باشد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم نیز، نشان‌دهنده تأثیر معنی‌دار و مثبت تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر تخصص در صنعت موسسه حسابرسی است. از آنجاکه تمرکز مالکیت باعث بهبود نظارت بر عملکرد مدیریت و کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان می‌شود و مالکان نهادی نیز انگیزه و تخصص لازم برای توسعه، گسترش و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها را دارند، بنابراین کنترل‌کنندگان مؤثرتری نسبت به سهامداران جزءند و هم‌چنین با توجه به انگیزه‌هایی که برای انتخاب حسابرسی متخصص در صنعت (پیچیدگی عملیات صاحب‌کار، که بسیاری از این عملیات به مشخصه‌های خاص صنعت ارتباط پیدا می‌کند و هم‌چنین قصد پیدا کردن شیوه‌هایی برای تأمین مالی از طریق بازارهای اعتباری یا بازارهای سرمایه) وجود دارد، می‌تواند دلیلی بر این نتیجه باشد.

درنهایت، قابل‌ذکر است که به دلیل عدم وجود اطلاعات قابل‌اتکا در خصوص ساختار سازمانی مؤسسات حسابرسی منتخب در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در تفسیر و تعمیم نتایج باید به این نکته توجه شود که احتمال دارد تعریف و تفسیر سازمان حسابرسی به‌عنوان حسابرسان بزرگ بر رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه اثر گذاشته باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که جامعه حسابداران رسمی ایران، با در نظر گرفتن معیارهای گوناگونی از کیفیت حسابرسی، اقدام به رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی نماید و به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان صورتهای مالی نیز پیشنهاد می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های خود به ساختار مالکیت شرکت‌ها و کیفیت مؤسسات حسابرسی که این شرکت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند، توجه کنند. درنهایت به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که سایر مؤسسات حسابرسی را با استفاده از معیارهای گوناگون نظیر عمر مؤسسات، تعداد شرکا، تعداد کارکنان و حوزه فعالیت آن‌ها رده‌بندی کرده و اقدام به بررسی عوامل تأثیرگذار بر انتخاب مؤسسات کنند. استفاده از الگوهای ریاضی و آمار جدید، نظیر شبکه‌های عصبی نیز، برای پیش‌بینی احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی توصیه می‌شود. همچنین پژوهشگران می‌توانند تأثیر سایر عوامل نظیر عملکرد مدیران، میزان تجربه و سطح تحصیلات آن‌ها را بر میزان تقاضا برای کیفیت خدمات حسابرسی بررسی نمایند.

فهرست منابع

- ۱) احمدزاده، یونس، (۱۳۹۰)، "بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود با تأکید بر صورتهای مالی میان‌دوره‌ای در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تبریز.
- ۲) اعتمادی، حسین، آذر، عادل و ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۸۹)، "بررسی نقش تخصص حسابرسان در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیات آتی"، مجله‌ی دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱.
- ۳) حساس یگانه، یحیی و جعفری، ولی اله، (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال سوم، شماره ۹، صص ۲۵ - ۴۲.
- ۴) حساس یگانه، یحیی و آذین فر، کاوه، (۱۳۸۹)، "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی"، مجله‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۱، صص ۸۵ - ۹۸.
- ۵) رحیمیان، نظام‌الدین و رضا پور، نرگس و اختری، حسین، (۱۳۹۰)، "نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه دانش حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۴۵، صص ۶۸ - ۸۱.
- ۶) کرمی، غلامرضا و بذرافشان، آمنه، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسان و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۵ - ۸۰.

- ۷) مهدوی، غلامحسین، منفرد مهارلوئی، محمد و ابراهیمی، فهیمه، (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر نظام راهبردی شرکتی بر اندازه موسسه حسابرسی منتخب شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۳۵ - ۱۵۵.
- ۸) ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۸۸)، تخصص صنعت حسابرسی و مدیریت سود. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصاد تهران.
- ۹) نوروش، ایرج، کرمی، غلامرضا و وافی ثانی، جلال، (۱۳۸۸)، "ترکیب هیئت‌مدیره و هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله‌ی تحقیقات حسابداری، شماره اول، صص ۴ - ۲۷.
- 10) Ashbaugh, H., & Warfield, T. D. (2003), Audits as a Corporate Governance Mechanism: Evidence from the German Market. *Journal of International Accounting Research*, Vol.2, PP. 1 – 21.
- 11) Balsam, S. J., Krishnan, J., Yan, S. (2003), Auditor Industry specialization and Earnings Quality Auditing. *A Journal of practice & Theory*, Vol. 22, No. 2, PP. 61.
- 12) Carcello, J. V., & Nagy, A. L., (2004), Audit Firm Tenure and Fraudulent Financial Reporting Auditing. *A Journal of practice and Theory*, Vol. 23, No. 2, PP. 55 – 69.
- 13) Chan, K. H., Lin, K. Z., & Zhang, F. (2007), On the Association between Changes in Corporate Ownership and Changes in Auditor Quality in a Transitional Economy. *Journal of International Accounting Research*, Vol. 6, No.1, PP. 19 – 36.
- 14) DeAngelo, L. E. (1981), Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economic*, Vol. 3, No. 2, PP. 183 – 199.
- 15) Fargher, N., Taylor, M. H., & Simon, D. T. (2001), The Demand for Auditor Reputation Across International Markets for Audit Services. *The International Journal of Accounting*, PP. 407 – 421.
- 16) Francis, J. R., & Wilson, E. R. (1988), Auditor change: a Joint Test of Theories relating to Agency Costs and Differentiation. *The Accounting Review*, PP. 663 – 682.
- 17) Gromliug, A. A., Johnson, V. E., & Khurana, I. K. (2001), Audit Firm industry specialization and Financial Reporting Quality. Working Paper, Georgia State University and University of Missouri – Columbia.
- 18) Guedhami, O., Pittman, J. A., & Saffar, W. (2009), Auditor Choice in Privatized Firms: Empirical Evidence on the Role of State and Foreign Owners. *Journal of Accounting and Economics*, PP. 151 – 170.
- 19) Hossain, M., Lim, C., & Tan, P. (2010), Corporate Governance, Legal Environment, and Auditor choice in Emerging Markets. *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies*, Vol. 13, No. 1, PP. 91 – 126.
- 20) Kone, G. D., & Velury, U., (2004), The Role of Institutional Ownership in the Market for Auditing Services: An Empirical Investigation. *Journal of Business Research*, PP. 976 – 983.
- 21) Lin, Z. J., & Liu, M. (2009), The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, PP. 44 – 59.
- 22) Niskanen, M., Karjalainen, J., & Niskanen, J. (2009), Demand for Audit Quality in Small Private Firms: Evidence on Ownership Effects. Available at: WWW.SSRN.COM.
- 23) Piot, C. (2001), Agency Costs and Audit Quality: Evidence from France. *The European Accounting Review*, PP. 461- 499.

- 24) Wang, Q., Wang, T. J., & Xia, L. ,(2008), State Ownership, the Institutional Environment, and Auditor Choice: Evidence from China. *Journal of Accounting and Economics*, PP. 112 – 134.
- 25) Zureigat, Q. ,(2011), The Effect of Ownership Structure on Audit Quality: Evidence from Jordan. *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2, No. 10, PP. 38 – 46

یادداشت‌ها

1. Ashbaugh et al
2. Lin et al
3. Francis et al
4. Balsam et al
5. Zureigat
6. De Angelo
7. Wallace
8. Kan et al
9. Chan et al
10. Piot
11. Fargher et al
12. Gramling et al
13. Carcello and Nagy
14. Wang et al
15. Niskanen et al
16. Guedhami et al
17. Hossain et al
18. Palmerose

